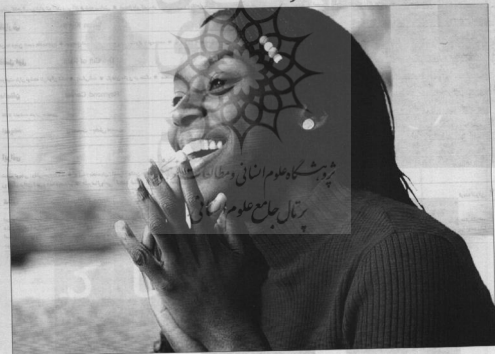


قلعه‌ای در باغ خانه استاد

ویژه نویسنده نيجریه‌ای

چیماماندا اینگوزی آدیچی Chimamanda Ngozi Adichie



پرونده

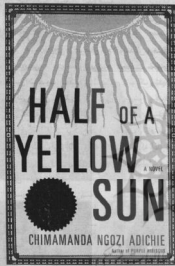
چیماماندا اینگوزی ادیچی در پانزده سپتامبر ۱۹۷۷ در اینگو نیجریه به دنیا آمد. پنجمین فرزند از شش فرزند طایفه‌ای از قبیله ایگبو است. شهر آبا و اجدادی ادیچی در آبا در ایالت آنامترا بود، او در خانه چینوا اچیه نویسنده نامدار نیجریه‌ای بزرگ شد. خانه اچیه در شهر نسوکا به دانشگاه نویسنده‌گان جوان نیجریه تبدیل شده است. چیماماندا تحصیلات دبیرستانی‌اش را در دبیرستان وابسته به دانشگاه به پایان رساند و نام کومپلس به معنی قطب‌نما کار می‌کرد که مجله انجمن دانشجویان پزشکی کانولیک بود.

چیماماندا در سن نوزده سالگی به ایالات متحده رفت و از دانشگاه درکسل فیلادلفیا بورس دو ساله‌ای گرفت و پس از آن برای تحصیلات تکمیلی به دانشگاه دولتی ایسترن کالکتیکت رفت تا در رشته علوم سیاسی و ارتباطات درس بخواند. زمانی که در کالکتیکت بود با خواهرش انیچماوما می‌ماند که در همان منطقه به کار طبابت مشغول بود. بعد از پایان تحصیلات به کلاس درس نویسندگی خلاق دانشگاه جونز

هایکنز رفت که بسیاری از نویسندگان امروز آمریکایی از فارغ‌التحصیلان آن هستند. در زمان تحصیل در دانشگاه ایسترن به نوشتن رمان ختمی ارغوانی، مشغول بود که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد. کتاب با استقبال ویژه‌ای روبرو شد و در سال ۲۰۰۴ در فهرست نهایی جایزه لورنج قرمز گرفت و جایزه کشورهای مشترک‌المنافع را برای نخستین کتاب برتر سال ۲۰۰۵ از آن خود کرد.

دومین رمان او نصف یک آفتاب زرده که عنوان یکی از داستان‌های کوتاهش نیز هست به وقایع پیش از جنگ بیافرا و خلال آن می‌پردازد. این رمان در ماه اوت ۲۰۰۶ در انگلستان منتشر شد و یک ماه بعد در ایالات متحده این رمان مثل رمان قبلی‌اش در نیجریه نیز انتشار یافت.

چیماماندا وقت خود را بین آمریکا و نیجریه تقسیم کرده و برای تحقیق در مورد آزاری که می‌نویسد مرتب به نیجریه سر می‌زند. در سال ۲۰۰۵ - ۲۰۰۶ بورسیه دانشگاه برنستون بود و حالا برنامه مطالعات آفریقایی دانشگاه ییل را دنبال می‌کند.



خودش می‌گوید در برنامه ادبی آبی بر ادبیات مهاجرت نیجریه و مسائل مهاجران تأکید خواهد کرد.

می‌گوید: «از وقتی من می‌نویسم، بازم می‌آید که می‌نویسم. انگار وقتی من می‌نویسم سبک می‌شدم».

وقتی بیست و یک ساله بود یک مجموعه شعر به نام «تصمیمات» از او منتشر شده بود و یک نمایشنامه به نام «به عشق بیافرا». در این نمایشنامه به تجربه دردناک زن جوان قبیله ایگبو اشاره می‌کند و به بلاهایی که در جنگ داخلی نیجریه در لواندر دهه هفت نیجریه بر سر او و خانواده‌اش آمد. خانواده‌ای که مانند خانواده‌های دیگر تصور می‌کردند بیافرا مستقل در سایه صلح و دوستی مردمشان سعادتمند می‌شود. اما پس از جدایی بیافرا نتیجه عاجز در دناک بود. قتل‌عام‌های روزانه، کرسنگی و فحطی، بیماری، پایان توهم اعضای خانواده زن و بسیاری از هواخواهان استقلال بیافرا را رقم زد.

ادیچی ترحم جنگ را ندید و سال‌ها پس از پایان آن فلم به دست گرفت، اما از خشونت‌ها، وحشت و بی‌عدالتی نوشت که اثرش تا به امروز هم از صفحه روزگار پاک نشده است. بازار فریبی وقایع نشان می‌دهد که جنگ بر هویت یک نسل از ایگبوها تأثیر مغری گذاشته است. قهرمان نمایشنامه تحت‌تأثیر همین درگیری‌ها و کشت و کشتار و کینه قبیله‌ای حاضر به ازدواج

با نامزد خود که از قبله مقابل است، نمی‌شود. آن هم نه در نیجره، که سال‌ها بعد از تسلیم بیافرا، در قلب لندن اتفاق می‌افتد.

می‌گوید: «محمدا من قبل از هر چیزی بیافرای هستم، آخرش هم بیافرای هستم، بیافرای زاده شدم و بیافرای می‌میرم، یادت باشد که هرچوقت خطا نکنی و مرا نیجره‌ای صدا نزنی، شیر فهم شده»

ختمی ارفوایی چیماماندا بنگوزی آدبچی علاوه بر آن که بر اهمیت قوم‌گرایی در نیجره تأکید دارد، به جنبه‌های مهاجرت آن نیز اشاره می‌کند. به‌خصوص در داستان‌های متأخر او با حجم وسیعی از مشکلات مهاجران نسل اول در بریتانیا و ایالات متحده روبرو می‌شویم، مشکلاتی که هرچند داستانی است و از همین رو، بیرواقعی، اما ریشه در واقعیت‌ها دارد که انکار آن‌ها عاقلانه به‌نظر نمی‌رسد. در داستان‌هایی نظیر «تو در آمریکا»، «ما درم»، «جنون آفریقایی»، «شوهر تازه» و «اندوه بیگلگان» این خط‌کشی‌ها پررنگ‌تر شده است.

مسئله مهاجران از سوءاستفاده‌های گوناگون جنسی گرفته تا مشکلات مالی عدیده ناشی از زبان نفهمیدن در داستان‌های این نویسنده خود را نشان داده است.

رمان نخست آدبچی با استقبال گرم خوانندگان و منتقدان روبرو شد. رمان ختمی ارفوایی در حوادث خونبار نیجره اواخر دهه نود قرن بیستم شکل می‌گیرد. شخصیت محوری رمان دختر بچه پانزده ساله‌ای است به نام کامبیلی آچی، پدرش بوجین شخصیت پیچیده‌ای دارد. هم گاتولیک متعهد و متعددی است و هم فعال سیاسی و در خانه هم حرف اول را می‌زند. داستان از زبان دخترک روایت می‌شود و دنیای بزرگ‌ترها را می‌کاود و آکنش برانرش جاجا به قدرت‌نمایی پدر و آزادی خواهر و لیبرال‌سلنکی عمه ایفی‌اوما و پدر بزرگ سنتی که مرث قبیله‌ای را پاس می‌دارد. از دیگر روایت‌های محوری رمان است. بوجین بقیه را لاف‌باز و کاذب می‌داند. آدبچی از جمله رمان‌نویسان جدیدی است که آینده ادبیات را رقم می‌زنند. روایت آنان روایت تازه‌ای است که آغاز شده. مجله گرانتا او را جزو بهترین داستان‌نویس‌ها و رمان‌نویس‌های امروز آمریکا می‌داند. نویسنده‌گانی که اکثر آن جاهای دیگری آمده‌اند و حرف‌های تازه دارند و خون تازه‌ای در رگ‌های ادبیات جهان جاری کرده‌اند.

□

شهرت شاکه سلو در ادبیات آفریقایی
پژوهان ادبیات آفریقایی

